

سر مقاله

رابطه بین جنگ و مذاکره را قطع کنیم

ادامه از صفحه ۱

و از چهار روز جنگ هیچ نتیجه‌ای که نگرته خسارت‌های هنگفت و به‌تأ غیرقابل بازگشت هر دو خود و با سنگین‌تر منطقه وارد کرده است در عین اینکه ایران علی‌رغم تحمل خسارت‌های قابل توجه همان قبل از جنگ است، البته با مردم و مسئولینی که تجربه اندوخته‌تر و همانند تندر شده‌اند آمریکا اگرچه شکست در جنگ ۴۰ روزه رمضان را پذیرفته و تا حدی به زین هم اوره اما گزیننه جنگ را کنار نگذاشته و این احتمال وجود دارد که به‌زودی و احتمالاً پس از پایان دو هفته آتش‌سوزی به گزیننه جنگ بازمی‌گردد. شواهد و قراین از جمله نقل و انتقالات نظامی و اینکه طراحان و صحنه گردانان جنگ رمضان کماکان بر استفاده از گزیننه‌های نظامی برای تسلیم کردن ایران تأکید دارند به ما هشدار می‌دهد که شاید از سرگیری جنگ بسیار نزدیک باشد.

شکست آمریکا و رژیم اسرائیل و دولت‌های عرب وابسته از جمهوری اسلامی در جنگ رمضان آشنان را یاد کرده تا در اهداف اعلامی، راهبرد نظامی و تاکتیکی‌های جنگی تجدیدنظر نموده‌اند این موارد را به‌روز رسانی کنند از جمله هدف گذاری‌هایی که قاعده‌کنار گذاشته شده است. تغییر نظام جمهوری اسلامی می‌باشد چرا که امکان پذیر بودن آن به اثبات رسیده است. الان به نظر می‌آید «سرلیبرگری» برای ولاد کردن ایران به پذیرش شرایط آمریکا جایگزین تغییر نظام شده است. اما این سرلیبرگری به چه معنا و مفهومی است و احتمالاً شامل چه مواردی می‌شود؟

ما در روزهای اخیر شاهد دو حرکت نظامی و شبه‌نظامی از سوی آمریکا بودیم: تأکید بر ضرورت باز ماندن تنگه هرمز و عدم دخالت ایران در آن و ایجاد یک تیز نظامی در جنوب دریای عمان به گونه‌ای که ایران «بهره‌بردار» می‌شود. سران آمریکا - قدره به سفارت و وزارت دریایی و استفاده از قیاسی نباشد. دیروز حتی با آنکه توسط یکی از مقامات رده دهنه قرآن کشیدیم تجاری تنگه مطرح شد. ترامپ ۴۵ دقیقه بعد در توییته که منتشر کرد کماکان بر تداوم محاصره دریایی ایران تأکید نمود که البته می‌تواند یک بجهش‌های چوپن‌چواری بسیاری دارد. شواهد و قراین نظامی می‌گوید علی‌رغم طرح آنکه طرفی نفوذ زمینی آمریکا به ایران با شکست و هزینه زیاد در بیابان‌های شریخ‌ها مواجه شده، نفوذ زمینی از دستور کار آن کنار رفته است و از این رو ممکن است در روزهای و هفته‌های آینده شاهد تفرق پنتاگون برای نفوذ زمینی به ایران باشیم که البته و صالینه‌ای اتفاق بیفتد. حقیقتاً آنکه تفرق است که صورت گرفته است. شکست آمریکا در نفوذ که بدون استفاده از این‌ها نیز نبروه امکان پذیر نیست. در واقع سرشودت درگیری آینده را بر ضد آمریکا تعیین خواهد کرد اگر هدف آمریکا در تصرف زمینی، اقدامی نامرین باشد و مثلاً خواهد فرستاد جزایر مشرف به تنگه هرمز را مورد تعرض قرار دهد و آنها را برای مدتی در اختیار بگیرد. طرف یکی - دو روز یا آنچنان تلفاتی مواجه می‌گردد که در تاریخ آمریکا ثبت نگردد چرا که حداقل از سال ۱۳۷۴ و در مدت ۳۰ سال نیز تاریخ نهمتا تجهیز شده‌اند بلکه به زمینی یکبارچه مسلح تبدیل گردیده‌اند. ضمن آنکه باقیاند آنها از سواحل هرمز کار برای نیروی متجاوز بسیار دشوار می‌کند. همین حکایت درباره جزیره خنجرک که در استان بوشهر به همین تازگی بلوکه شده است و با شکست ناشی می‌شود و ولشکنن هرگز قادر نخواهد بود از آن به عنوان یک برگ تعیین‌کننده.

عقب راندن ایران از مواضع خود و پذیرش مواضع دشمن استفاده کند ما خاطرمان از این حیث کمالاً جمع است.

اما در عین حال تسلط دشمن بر حتی یک وجب از خاک ایران حتماً حاکمیتی مغلوب از بمباران بخش‌هایی از خاک ایران و تأسیسات ایران و مقامات و مردم ایران دارد. دست‌نگاه نظامی، دست‌نگاه جاسوسی و دست‌نگاه امنیتی - سردم - ایران را تجربه کرد. آن قراین می‌گوید آمریکایی‌ها حدود ۱۷۰۰ نیروی نظامی جدید را در شش پایگاه نظامی در قطر، امارات و رژیم اسرائیل اضافه کرده و

یک نکته مهم دیگر در جنگ این است که ما درباره میزان اهمیت راهبردی و حیاتی تنگه هرمز به اجماع ملی رسیدیم. ما قلمرو فیدیم با استفاده از اهرم تنگه هرمز می‌توانیم همه آنچه روی زمین مذاکره گذاشته‌ایم - یعنی ده‌دهند اعلامی شورای عالی امنیت ملی ایران - را محقق کنیم خواه با پذیرش آمریکا و خواه با عدم پذیرش آن. مثلاً ما می‌توانیم وجود بلوکه‌شده ایران را حتی اگر مورد پذیرش آمریکا نبوده، بصورت یک‌جایه دست بیابوریم. حسب بعضی نقل‌ها حجم پول‌ها - و نه درایره‌ها - می‌بلوکه‌شده ایران حدود ۲۴ میلیارد دلار است که بین ۷ تا ۶ میلیارد دلار آن در اختیار دولت قطر است. اگر ما از طریق افعال کنترل بر تنگه تجارت دریایی کشورها می‌تواند اشاره از طریق تنگه از موانع اقتصادی مطمئن طرف کمتر از یک‌دهه آنان است. پول و بهره پول ما را بر پراخت خواهند کرد و در مورد پایگاه‌های آمریکا در کشورهای جنوب ما از طریق تنگه می‌توانیم مانع تجارت کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا و دو وسیله نظامی آمریکا را از منطقه حین کم‌توانیم که ما از طریق تنگه می‌توانیم هزینه‌های جنگی خود را از روز آغاز خصومت‌های آمریکا علیه ایران در سال ۱۳۵۸ تاکنون وصول کنیم و حتی پول موشک‌هایی که در عملیات‌های و عده صافن شلیک کردیم را در آن آن بگیریم. این جنگ ثابت کرد قدرت چهارم ایران، تنگه است و جنگ و صحنه این را به این ادره دیدیم. کرد البته تنگه هوزران سسل وجود داشته اما توجه به اهمیت آن وجود نداشته است. چندی پیش از این یک به اصطلاح دیپلماتیک مغلوب که در دوره مسئولیتش هزینه سنگینی به همدار محاربت بر این ملت غیور و مقننر تحمیل کرد، اصطلاحی به نام دیپلماسی و میدان را نداشت و البته مراد او قلبه دیپلماسی بر میدان بود. اصل این اصطلاح قلع است این دو در یک ردیف نیستند. میدان بر اصل قدرت کلون منافع ملی است و دیپلماسی صرفاً یک ابزار در خدمت میدان است.

عقب راندن ایران از مواضع خود و پذیرش مواضع دشمن استفاده کند ما خاطرمان از این حیث کمالاً جمع است.

عقب راندن ایران از مواضع خود و پذیرش مواضع دشمن استفاده کند ما خاطرمان از این حیث کمالاً جمع است.

پيام آشنا گزارش می دهد
نشانه‌ای از جدیت آمریکا در دیپلماسی نمی بینیم



شاید مهم‌ترین محور سخنان قبالی، تأکید صریح بر نرسود اعتماد به آمریکا در روندهای دیپلماتیک بود. او با اشاره به تجربه‌های اخیر گفت: «حتی یک لحظه نمی‌توانیم فراموش کنیم که آمریکا دو بار دیپلماسی را نقض کرد» این جمله، به‌روشنی نشان می‌دهد که نگاه تهران به مذاکرات، نه بر پایه خوش‌بینی، بلکه بر اساس نوعی واقع‌گرایی محتاطانه شکل گرفته است. قبالی در ادامه همین رویکرد تصریح کرد: «قبالی ما طبیعی است که اعتماد به آمریکا نیست، هیچ اعتمادی وجود ندارد. ما بر اساس منافع و مصالح خود تصمیم می‌گیریم». چنین موضعی بیانگر آن است که ایران تلاش دارد در هرگونه روند مذاکره، ابزارهای تضمین‌کننده اجرائی تعهدات را در اختیار داشته باشد و صرفاً به وعده‌های طرف مقابل اتکا نکند.

تنگه هرمز: از امنیت نسبی تا کانون بحران

در بخش دیگری از این نشست، موضوع تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط تنش مورد توجه قرار گرفت. سخنگوی وزارت خارجه با تأکید بر اینکه پیش از تشدید درگیری‌ها این آبراه از امنیت برخوردار بوده، گفت: «تا قبل از ۹ اسفند تنگه هرمز امن و خارج از تنش بود». او تأکید کرد که آمریکا وجود داشته است. او با اشاره به اختلاف نظر دربار مشول آتش‌سوزی در برخی مناطق، تأکید کرد که این روند را ابتدا با دلایل و تفسیرهای متناقض همراه بوده و همین امر، اعتماد به تداوم آن را تضعیف کرده است.

بی‌اعتمادی ساختاری به واشنگتن

بی‌اعتمادی ساختاری به واشنگتن

اختصاصی پیام آشنا - در شرایطی که تحولات منطقه‌ای با ششلی کمپلیفه در حال بازتعریف معادلات سیاسی و امنیتی است، اظهارات اسماعیل قبالی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری ۳۱ فروردین ۱۴۰۵، تصویری شفاف از رویکرد تهران در قبال مذاکرات و تنش‌های اخیر ارائه می‌دهد. رویکردی که بیش از هر چیز بر بی‌اعتمادی عمیق به آمریکا، تأکید بر حفظ منافع ملی و هشدار نسبت به تداوم رفتارهای متناقض واشنگتن استوار است.

قبالی در این نشست، با اشاره به مجموعه تحولات دیپلماتیک اخیر، تصریح کرد که تمرکز اصلی ایران بر «مذاکرات مرتبط با پایان جنگ» بوده است، اما هم‌زمان رفتارهای آمریکا این مسیر را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. به گفته او، «امریکا هم‌زمان با ادعای دیپلماسی، رفتارهایی را انجام می‌دهد که به هیچ عنوان نشانگر جدیت در پیگیری یک روند دیپلماتیک نیست». گزاره‌ای که به‌ویژه چارچوب تحلیل تهران از وضعیت کنونی را نشان می‌دهد.

آتش‌سوزی شکستنا و میدان اختلاف روایت‌ها

یکی از محورهای اصلی این نشست، موضوع آتش‌سوزی و نحوه اجرائی آن بود. قبالی که شکاف عمیق میان روایت ایران و آمریکا آشکارتر از همیشه به چشم می‌آید. سخنگوی وزارت خارجه با اشاره به حمله اخیر به یک کشتی ایرانی، این اقدام را «هتک آتش‌سوزی» و «مصادف عمل تجاروت کارانه» توصیف کرد و افزود: «رفتار یا گفتار هیچ سزای ندارد و صرفاً بی‌دگمائی ایران را نسبت به کل فرایند تشدید می‌کند».

این موضع‌گیری در حالی مطرح می‌شود که به گفته قبالی، «همان ابتدای اعلام آتش‌سوزی نیز نشانه‌ای از «بی‌عهدی» آمریکا وجود داشته است». او با اشاره به اختلاف نظر دربار مشول آتش‌سوزی در برخی مناطق، تأکید کرد که این روند را ابتدا با دلایل و تفسیرهای متناقض همراه بوده و همین امر، اعتماد به تداوم آن را تضعیف کرده است.

این پیام را می‌توان بخشی از راهبرد بازدارندگی ایران دانست که در کنار دیپلماسی، به‌عنوان ابزار حفظ منافع ملی به کار گرفته می‌شود. هم‌زمان، قبالی به‌گونه مذاکره دربار توانمندی‌های دفاعی را رد کرد و با لحنی صریح گفت: «ما درباره توانمندی‌های دفاعی خود اصلاً گفت‌وگو نمی‌کنیم». این موضع، یکی از خطوط قرمز ثابت ایران در مذاکرات به شمار می‌رود که بار دیگر مورد تأکید قرار گرفت.

میانجی گری محدود و آینده نامشخص مذاکرات

در بخش دیگری از سخنان، قبالی به نقش میانجی‌ها اشاره کرد و گفت: «تنها طرف میانجی‌ها در حال حاضر حاضر پاکستان است». این در حالی است که برخی کشورهای دیگر نیز تلاش‌هایی در این زمینه داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد تهران ترجیح داده دامنه میانجی‌گری را محدود نگه دارد.

واقع‌گرایی در برابر ابهام

مجموع اظهارات مطرح‌شده در این نشست، خرس، نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی دیپلماسی واقع‌گرا و محتاط در سیاست خارجی ایران است. دیپلماسی‌ای که نه بر پایه خوش‌بینی، بلکه بر اساس تجربه‌های متعددی و محاسبه دقیق منافع ملی استوار شده است. در چنین شرایطی، تداوم رفتارهای متناقض از سوی آمریکا، تنها روند مذاکرات را با کندی مواجه می‌کند، بلکه احتمال دستیابی به توافقی پایدار را نیز کاهش می‌دهد.

دیپلماسی همراه با بازدارندگی

دیپلماسی همراه با بازدارندگی